

فرزندآوری از دیدگاه زنان متأهل با تأکید بر نگرش دینی

سوده توکلی*

حمید رفیعی هنر**

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نگاه به فرزندآوری در بین زنان شهر تهران انجام شد. روش پژوهش کیفی بود و در تحلیل داده‌ها از نظریه داده بنیاد استفاده شد. در جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از مصاحبه کیفی از ۱۶ زن متأهل بدون فرزند، بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سال استفاده شد. یافته‌ها به صورت ۱۰ مفهوم اولیه، ۱۲۵ کد باز، ۷۴ کد محوری و ۱۳ کد هسته‌ای و همچنین زمینه‌ها، فرایندها و پیامدها استخراج شد. فرزندآوری، کد هسته‌ای بود که یک نیاز است و با دو نگاه در معنای فرزند شکل گرفته است: نگاه خدامحور و خودمحور. با نگاه خدامحور به فرزندآوری، اهمیت تربیت نسل توحیدی و با نگاه خودمحور، بیشتر تمایلات شخصی مهم بود؛ البته نگاه خدامحور کمتر مورد نظر افراد بود. برای دستیابی به نگاه خدامحور لازم است به زمینه‌سازی، فرایندسازی و پیامدهای تمایل به فرزندآوری در آیات و روایات پرداخته شود تا به تدریج با نگاه خدامحور تمایل به فرزندآوری بیشتر شود. واژگان کلیدی: فرزندآوری، نظریه داده بنیاد، نگرش دینی.

مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد شکل‌دهنده جامعه است. آثار فراوانی از اندیشمندان قدیم و جدید در دست می‌باشد که هر یک با رویکردی ویژه به بررسی خانواده و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶). خانواده به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در همه جوامع و در همه اعصار وجود داشته و با وجود تغییرات موجود، جایگاه و منزلت خود را حفظ کرده است (حقیقی‌مهر، ۱۳۸۴). خانواده در بافت فرهنگی، اجتماعی کشورمان نهادی مقدس، ارزشمند و پراهمیت تعریف می‌شود که کانون اصلی رشد و تعالی انسانی تلقی می‌شود و پاسداری از قداست و استواری آن از حقوق و اصول اساسی است (مطهری، ۱۳۷۲). تعریف‌های فراوانی از خانواده وجود دارد که هر یک با رویکردی خاص به جنبه‌ای از موضوع خانواده نگریده و بعدی خاص از آن را برجسته کرده‌اند؛ از آن جمله خانواده را به اعضا و کمیّت حاضر در خانواده، به مجموعه افراد واجب‌النّفقه، موقعیت‌های سازمانی، زندگی مشترک در مکان واحد، کارکردهای آن، روابط اقتصادی، روابط جنسی پایدار معرفی کرده، یا خانواده را به مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی تعریف کرده‌اند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۴۵)؛ بنابراین واژه خانواده مجموعه‌ای گسترده از ساختارها، شکل‌ها و وظایف را دربر می‌گیرد که در هر کشوری متفاوت است.

فرزند در خانواده اسلامی دارای جایگاه محوری و از عوامل اصلی تشکیل خانواده است. خانواده اسلامی شکل می‌گیرد تا نسل آماده بشر برای رسیدن به سعادت و رستگاری پرورش یابد. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان آورده و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (نحل، ۷۲)» (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶). تداوم نسل بشر و جلوگیری از انقراض آن به‌عنوان یکی از اهداف مهم ازدواج، در گرو آن است که نهاد خانواده دو کارکرد اساسی خود، یعنی «تولید مثل» و «مراقبت از فرزندان» را به خوبی انجام دهد (بستان، ۱۳۹۰، ص ۳۰). در نظریات مختلف جامعه‌شناسی نیز به این مهم اشاره شده است؛ مورگان به کارکردهای خانواده در قالب رفتار یا مرتبط با زندگی خانوادگی، در چارچوب مفاهیمی مانند جنسیت، غذا و بدن توجه می‌کند (برناردز، ۱۳۸۴). انگلس نخستین کارکرد خانواده را تولید مثل می‌داند؛ به‌گونه‌ای که تولید مثل و فرزندآوری به‌عنوان رکن اساسی گذران واحد خانواده به مثابه یک واحد تولید اقتصادی به شمار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۸۸). یکی از ویژگی‌های بارز یک زن، قابلیت فرزندآوری اوست که بدین منظور ازدواج در سنین پایین صورت می‌گرفته است (سگالین، ۱۳۸۸؛ اعزازی، ۱۳۸۳).

در عصر حاضر با وجود اینکه تولید نسل، این کارکرد فطری و مهم خانواده، مورد بی‌مهری قرار گرفته است. بیشتر کشورهای توسعه‌یافته با در حال توسعه با افزایش روند شهرنشینی با کاهش نرخ مولید تا سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن روبه‌رو شده‌اند. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در نگرش افراد نسبت به ازدواج، فرزندآوری و برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده اتفاق افتاده است. تغییر در ایستارهای مربوط به زندگی خانوادگی، نقشی تعیین‌کننده در روند جمعیت‌شناختی داشته است (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴). ایران نیز از جمله کشورهایی می‌باشد که در دو دهه اخیر دچار افت شدید در میزان باروری شده و روند پیری جمعیت در آینده، آهنگ خود را به صدا درآورده است. خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی‌تری یافته است، امروزه کمتر کسی یافت می‌شود که به تغییر خانواده باور نداشته باشد. این دگرگونی‌ها، شکل سنتی خانواده را دستخوش تغییر کرده، روند رو به رشدی را در عرصه صنعت، شهرگرایی و تحرکات جغرافیایی، گسترش حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی و تلاش برای کسب استقلال و ادامه تحصیل ایجاد کرده و به نوعی تعارض بین ارزش‌های سنتی و مدرن در جامعه امروزی پدید آمده است (بستان، ۱۳۸۸؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). عوامل فراوان مذکور سبب شده است که رشد جمعیت در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به ۱/۶٪ برسد، این روند (رشد نزولی) تا سال ۱۳۹۰ ادامه داشته، به گونه‌ای که رشد جمعیت به ۱/۳٪ رسیده و اکنون طبق آمارهای موجود، تعداد متوسط فرزندان هر خانواده ایرانی ۱/۸٪ رسیده است (محمودی، ۱۳۹۱). «طبق اعلام بانک جهانی میزان رشد جمعیت ایران از سال ۲۰۲۵ به زیر یک درصد خواهد رسید» و «بانک جهانی تخمین زده است که رشد جمعیت ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ به ۱/۵۹ درصد کاهش یابد؛ افزون‌براین رشد جمعیت طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ نیز به ۱/۳۲ درصد و طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ به ۱/۱۳ درصد کاهش خواهد یافت» (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۹).

بنابراین میزان فرزندآوری در ایران در همه گروه‌های سنی با نوعی کاهش محسوس همراه است؛ به گونه‌ای که برخی زوجین جوان ترجیح می‌دهند فرزند نداشته باشند یا فرزندآوری را دیرتر آغاز کنند و برخی زنان متأهل بین مولیدشان فاصله می‌گذارند و زنان مسن‌تر فرزندآوری خود را متوقف می‌سازند. به نظر می‌رسد نوع نگاه به فرزندآوری تغییر کرده و این مسئله در تصمیم‌گیری فرد جهت فرزندآوری تأثیر می‌گذارد، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گرفته است، ولی اینکه نوع نگاه و نگرش زنان به فرزندآوری چه می‌تواند باشد، مسئله‌ای است که این مقاله پی می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، عباسی شوازی و علی مندگاری (۱۳۸۹) نشان دادند که تحصیلات زنان مهم‌ترین متغیری است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرزندآوری تأثیر می‌گذارد؛ همچنین به‌طور کلی زنان مستقل‌تر باروری پایین‌تری را تجربه می‌کنند. نحوه مشارکتی اتخاذ تصمیم زوج‌ها در موضوعات متفاوت خانوادگی، به باروری سطح پایین و افزایش میزان استفاده از وسایل پیشگیری می‌انجامد؛ همچنین پیلتن و رحمانیان (۱۳۹۴) بیان کردند که بین متغیرهای مستقل همچون جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، مشارکت اجتماعی، دسترسی به مواد غذایی و دینداری با تمایل به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد. براساس داده‌های رگرسیونی متغیرهایی چون جامعه‌پذیری جنسیتی، تعداد فرزند مطلوب، مشارکت گروهی، بعد پیامدی دینداری دارای تأثیر بر تمایل به فرزندآوری هستند. موسوی و قافله‌باشی (۱۳۹۲) نشان دادند که بین زن و مرد از نظر نگرش به فرزندآوری تفاوتی وجود ندارد، ولی بین تحصیلات، طبقه اقتصادی-اجتماعی و خانواده‌های کم‌جمعیت یا پرجمعیت و نگرش آنها به فرزندآوری تفاوت معنادار است و عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را دارد. در مورد تأثیر فرهنگ بر تمایلات فرزندآوری، نقش تعیین‌کننده‌ای مشاهده نشد و ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی تبیین بهتری از تمایلات فرزندآوری زنان به‌دست می‌دهد (حسینی و بگی، ۱۳۹۱)؛ همچنین پایگاه اقتصادی اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی عامل مهمی در تمایل به فرزندآوری است (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵). افزون بر تمام پژوهش‌های انجام‌شده در مورد عوامل دخیل در مسئله تمایل یا نبود تمایل، نیاز به یک مدل نظری است تا با یک نگاه درست علمی به فرزندآوری و براساس یک چارچوب نظری به این مقوله توجه شود.

مفاهیم نظری

تولید مثل یکی از کارکردهای مهم خانواده است که بقا و استمرار نسل را تضمین می‌کند؛ اگرچه تولید مثل در خانواده ریشه زیست‌شناختی و روان‌شناختی دارد، ولی متأثر از بایدهای اجتماعی و فرهنگی، فرایند پرتحوالی در تاریخ خانواده دارد. در منطق دین، خانواده شکل می‌گیرد تا در آن انسان صالح پرورش یابد و انسان و جامعه توحیدی تولید و بازتولید شود. در چارچوب این نگرش است که در خانواده اسلامی باید برای تولید و پرورش فرزند و فرزندان صالح برنامه‌ریزی گردد. در منابع اسلامی انگیزه‌های فراوانی برای تمایل زن و شوهر به فرزندآوری گفته شده است، انگیزه‌هایی که در کنار تأمین نیازهای فردی آنها به بقای نسل بشر و بازتولید جامعه توحیدی کمک می‌کند.

مجموع این انگیزه‌ها را می‌توان در چارچوب نیازمندی انسان‌ها به توانمندی در زندگی، نیاز به جاودانگی، نیاز به آرامش دل و نیاز به امور معنوی و آمرزش الهی دسته‌بندی کرد (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶). افزون بر دیدگاه اسلام در اینجا مروری کوتاه بر نظریات دیگر نیز خواهیم داشت.

از لحاظ نظری، بعضی صاحب‌نظران به‌طور خاص تبیین‌هایی در مورد فرزندآوری ارائه کرده‌اند؛ از جمله گری بکر، اقتصاددان، در مقاله مشهور خود به نام «تحلیل اقتصادی باروری»، بر این باور است که رفتار باروری خانواده‌ها تابع رفتار اقتصادی آنهاست. در این تئوری فرزند به‌عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است (حسینی، ۱۳۸۱؛ به نقل از کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹). در تئوری نوگرایی بر تحولات اقتصادی-اجتماعی ناشی از شهرنشینی، صنعتی شدن و دیگر اشکال مدرنیزاسیون (مانند افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات، کاهش مرگ‌ومیر کودکان و...) به‌عنوان عامل عمده کاهش باروری ذکر شده است (گود، ۱۹۶۳؛ نوتسین، ۱۹۵۳؛ به نقل از افشانی و دیگران، ۱۳۸۶). در نظریه عمل معقول، فیشن و آجزن (۱۹۷۵؛ به نقل از بدار و دیگران، ۱۳۸۴) انسان را یک موجود منطقی در نظر می‌گیرند که معمولاً به شیوه منسجم و مؤثر عمل می‌کند. به نظر فیشن و آجزن، آنچه بین نگرش و رفتار دیده می‌شود، قصد عمل کردن است. به عقیده آنها، اگر شخصی واقعاً قصد داشته باشد که در یک موقعیت معین یا در مقابل یک موضوع معین به شیوه خاصی عمل کند، رفتارش آن را نشان خواهد داد. مفهوم این جمله آن است که چنانچه زنانی قصد باردارشدن داشته‌اند، در مجموع می‌کوشند تا بدان عمل کنند. بنابر نظریه فیشن و آجزن، نگرش از دو عامل ناشی می‌شود: باورهای مربوط به پیامدهای یک رفتار معین و ارزشی که به پیامدها داده می‌شود؛ از سوی دیگر فرد هرگز با چشم بسته عمل نمی‌کند. قصد عمل کردن فرد مسلماً تحت تأثیر نگرش او قرار می‌گیرد؛ همچنین فشار اطرافیان و میزان ارزش‌گذاری به این فشارها، قصد او را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اینها عوامل تشکیل‌دهنده الگویی، نامیده می‌شود. هنجارها از این نظر ذهنی است که فرد، اصطلاحاً رفتار خود را براساس ادراکی که از آنها دارد، پایه‌ریزی می‌کند. طبق این نظریه، برای آنکه نگرش به رفتار تبدیل شود، لازم است بر انتظارات قابل تحقق پایه‌ریزی شود و بر تقویت اطرافیان تکیه کند (بدار و دیگران، ۱۳۸۴).

یکی از نظریه‌هایی که در تبیین رفتار باروری به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و ترجیحات در رفتار اشاره کرده است، نظریه لی‌وین و اسکریم شاو است. از دیدگاه این دو مؤلف، فرهنگ نظام سازمان‌یافته‌ای از معانی مشترک و رایج میان مردم است. مجموعه‌ای از مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند، ولی قابل تقلیل به آنها هم نیست. یک مدل فرهنگی

شامل دو جنبه هستی‌شناسی و هنجاری است. چنین الگوهای فرهنگی عقاید و انتظارات مشترک یک جمعیت درباره باروری و مرگ‌ومیر آن جمعیت را به‌طور ویژه نشان می‌دهند. مفهوم مورد تأکید در این مدل‌ها، عقلانیت فرهنگی است. عقلانیت فرهنگی آشکار می‌سازد که مثلاً رفتار باروری در کدام موقعیت مجاز و در کدام موقعیت باید با محدودیت همراه باشد. مطالعه و شناخت محیط فرهنگی عاملان، به‌عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر رفتار کنشگران، توضیح مناسبی از سازوکار عوامل مؤثر بر رفتار ارائه خواهد داد (کارتر، ۱۹۹۸؛ به نقل از منصوریان و خوشنویس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

سایمون (۱۹۸۶) نظریه «هویت» را در مقابل دیدگاه‌های اقتصادی همچون نظریه انتخابی عقلانی مطرح کرد، رفتارهای باروری کشورهای اروپایی را نمی‌توان با شاخص‌های صرفاً اقتصادی مانند درآمد، شغل و... تبیین کرد؛ بلکه هویت افراد تعیین‌کننده رفتارهای باروری آنهاست (به نقل از موسوی و قافله‌باشی، ۱۳۹۲). افزون بر نظریات اجتماعی و روان‌شناختی بیان‌شده که می‌تواند در نگرش افراد در مورد تمایل یا بی‌تمایلی در فرزندآوری مؤثر باشد، در بیشتر مقالات نگاه زنان متأهل کمتر مد نظر بوده است؛ از این‌رو نگاه زنان متأهل و دیدگاه افراد و نقش دین در مسئله فرزندآوری مورد توجه این مقاله است.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد بوده است. هدف عمده پژوهش کیفی، بررسی عمیق و کسب شناخت در خصوص مفاهیم گوناگون اجتماعی و فرهنگی است؛ بدین ترتیب برای دستیابی به این مفاهیم دقیق روش نظریه داده‌بنیاد انتخاب شد. نظریه داده‌بنیاد یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن از یک دسته داده نظریه‌ای استخراج می‌شود؛ به گونه‌ای که این نظریه در سطح گسترده می‌تواند یک فرایند یا عمل یا یک تعامل را تبیین می‌کند (گرینشتین، ۱۳۸۹). بنابر نظر گلاسر، داده‌های مورد استفاده در نظریه داده‌بنیاد باید تجربه‌ای باشد؛ به‌طوری که پژوهشگر شخصاً و به صورت عینی و تجربی درگیر عملیات گردآوری و تحلیل اطلاعات می‌شود (به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲).

ابزار گردآوری اطلاعات

جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش داده‌بنیاد با روش‌هایی مانند مصاحبه، مشاهده، تجزیه و تحلیل متون مرتبط و یا به صورت ترکیبی از این موارد انجام می‌شود. کدگذاری قطعه یا بخش داده‌ها هم‌زمان

با گردآوری داده‌ها، مقایسه داده‌های کدگذاری شده با یکدیگر و دسته‌بندی آنها براساس وجوه مشترک است. در تولید مفاهیم، با استفاده از سه عمل کاهش، دست‌چین و جداسازی به بسط مفاهیم و تقویت نظریه در حال شکل‌گیری اقدام می‌شود. با مرور مقالات، مفاهیم اولیه‌ای استخراج می‌شود. در این نوع نمونه‌گیری، انتخاب مشارکت‌کننده‌ها، محیط‌ها، فضاها، تجربه‌ها یا دیگر واحدهای نمونه‌گیری مبتنی بر معیار خاص یا به‌طور هدفمند است (ماسون، ۲۰۰۲؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲). در این پژوهش براساس سؤالات اولیه، راهنمایی برای یک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته یا عمیق تهیه شد و مصاحبه‌گر براساس آن مصاحبه را شروع کرد، ولی براساس نظر و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان عمیق‌تر شد. مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه انجام گرفت و سپس متن آن پیاده‌سازی شد.

مفاهیم اولیه مورد نظر؛ هدف افراد از ازدواج، تعریف آنها از فرزند، لزوم فرزندآوری، دلایل علاقه یا بی‌علاقگی افراد به فرزندآوری، نیاز به فرزندآوری و چگونگی ارضای این نیاز از سوی افرادی که فرزند نمی‌خواهند، چگونه افراد فرزندآوری مفیدی داشته باشند و چه زمانی برایشان مضر است و در نهایت روش‌های تشویق به فرزندآوری چیست.

روش نمونه‌گیری

با توجه به انتخاب نظریه داده‌بنیاد به‌عنوان روش تحلیل داده‌ها، نمونه‌گیری از نوع نظری است. به‌گونه‌ای که از نظام معنایی نمونه‌گیری و تا رسیدن به حد اشباع ادامه می‌یابد. هرگاه پژوهشگر دریابد که داده‌های جدید صرفاً نتایج پیشین را تکرار می‌کند و مقوله جدیدی پدید نمی‌آید، اشباع نظری اتفاق افتاده است. براساس طبقه‌بندی جدول از هر گروه یک مورد انتخاب و نمونه‌گیری با بیشترین نوسان تا اشباع نظری ادامه یافت. در فرایند کدگذاری باز، محقق باید براساس حساسیت نظری، مفاهیمی را دنبال کند که در فرایند تحلیل دارای ارزش بازنمایی و تحلیلی بیشتری هستند. مفاهیم برگرفته از این روش را «نمونه‌گیری نظری» می‌خوانند. در این نوع نمونه‌گیری، پژوهشگر هم در میدان مطالعه و هم در مسیر کدبندی داده‌ها (کدگذاری باز و محوری) از مفاهیم، معانی و رویدادها نمونه‌گیری می‌کند. این فرایند تا زمان اشباع داده‌ها ادامه می‌یابد (گلاسر، ۱۹۹۸؛ کوربین، اشتروس، ۲۰۰۸؛ به نقل از هوایت، ۲۰۱۶).

شیوه اعتباریابی

تحقیق کیفی از اصول و معیارهای متفاوت از تحقیق کمی برای ارزیابی نتایج استفاده می‌کند. تکرارپذیری در تحقیق کیفی نوعی ساده‌لوحی است که در آن پیچیدگی پدیده تحت مطالعه نادیده گرفته شده، تأثیرهای بستر در نظر گرفته نمی‌شود (گابریوم و هولستین، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲). به نوعی اعتبار پژوهش کیفی به وسیله دو اصل انجام می‌گیرد؛ اصل مقایسه دائمی: مقایسه هر جنبه از تحقیق با جنبه‌ای دیگر (داده‌ها، تحلیل، فرضیه و... و جزئیات). مقایسه دسته‌ها با هم تا اطمینان حاصل شود که آنها با هم همپوشی ندارند (شاید دسته‌ها کد متفاوت داشته ولی یکسان باشند) و اصل اشباع: نقطه‌ای که دیگر تجزیه و تحلیل بدون افزودن داده‌ها و براساس داده‌های پیشین ادامه می‌یابد (هوایت، ۲۰۱۶).

روش تحلیل اطلاعات

این تئوری یک نظریه مسئله‌محور است و بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی استوار است که به تعیین ساختار نظری مسئله کمک می‌کند. در فرایند ساخت این نظریه، داده‌های گردآوری‌شده در سه مرحله کدبندی‌شده و به هم متصل می‌شوند که عبارتند از کدبندی‌های باز، محوری و گزینشی یا انتخابی (محمدپور، ۱۳۹۲). کدگذاری فرایندی است که پژوهشگر در آن به جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها می‌پردازد؛ در این فرایند واحد بنیادین «مفهوم» است. در کدبندی باز که نخستین مرحله کدبندی می‌باشد، داده‌ها سطر به سطر یا به صورت پاراگرافی کدبندی و مفهوم‌بندی می‌شوند. در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیم براساس اشتراکات و با هم‌معنایی در کنار هم قرار گرفته، مقوله محوری را تشکیل می‌دهند و سرانجام در مرحله کدگذاری گزینشی (هسته‌ای) مهم‌ترین موضوع پژوهش استخراج می‌شود و براساس این موضوع نظریه داده‌بنیاد ارائه می‌گردد. کدبندی مستلزم دقت فراوان است، زیرا در نظریه داده‌بنیاد نهایی این مقولات سهم عمده‌ای دارند و شرایط و پیامدها را به تصویر می‌کشند (هوایت، ۲۰۱۶). در این پژوهش نیز اطلاعات ثبت‌شده در مصاحبه، طی سه مرحله کدگذاری و کدها از متن مصاحبه استخراج شد. سپس از مجموع کدهای استخراج‌شده و کد هسته‌ای نظریه داده‌بنیاد دریافت گردید.

در این تحقیق با شانزده زن متأهل بدون فرزند در سن ۲۰ تا ۴۰ سال مصاحبه انجام شد که هریک به مدت دست‌کم دو ساعت به طول انجامید و بیشتر مصاحبه‌شوندگان با علاقه به سؤالات پاسخ گفتند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

وضع شغل			تحصیلات			سن		
خانه‌دار	شاغل	لیسانس به بالا	لیسانس	دیپلم	انحراف استاندارد	میانگین	۳۰-۴۰	۲۰-۳۰
۴	۱۲	۴	۱۰	۲	۴/۶۷	۲۹/۵۸	۵	۱۱

پس از انجام ده مصاحبه، بیشتر پاسخ‌ها تکراری بود و تا مصاحبه دوازدهم هم چند نکته جدید بیان شد، ولی سه مصاحبه آخر کاملاً شبیه موارد پیشین بودند که به همان اشباع نظری دست یافتیم؛ در نتیجه به شانزده مصاحبه بسنده شد.

یافته‌ها

براساس پژوهش‌های پیشین، مفاهیم اولیه که در جدول ۲ بیان شده است؛ به‌عنوان مفاهیم اصلی در ابتدای کار در نظر گرفته شد، از متن مورد نظر موارد زیر به‌عنوان کدهای باز، محوری و گزینشی استخراج گردید.

جدول ۲: مفاهیم اولیه درباره فرزندآوری مطرح‌شده در مصاحبه با زنان متأهل

مفاهیم اولیه	علت استفاده از این مفاهیم
۱ هدف از ازدواج	آیا در مراحل اولیه یا پیش از ازدواج هم فرزندآوری به‌عنوان یکی از اهداف ازدواج در نظر گرفته می‌شود.
۲ معنای فرزند	از نگاه افراد فرزند به چه معنا است؛ این موضوع خود، نوع نگاه افراد به فرزندآوری را نشان می‌دهد.
۳ لزوم فرزندآوری یا عدم فرزندآوری	یکی از نگرش‌های افراد می‌تواند این باشد که آیا برای یک زندگی مشترک، فرزندآوری لازم است.
۴ آیا فرزندآوری یک نیاز است؟	تا چه میزان افراد فرزندآوری را یک نیاز استنباط می‌کنند، که خود در برآورد انسان در فرزندآوری مؤثر است.
۵ علت علاقه‌مندی بعضی افراد به فرزندآوری	علاقه‌مندی به فرزندآوری در نگاه و نگرش افراد به فرزندآوری یکی از عناصر اصلی است.
۶ علت عدم علاقه بعضی افراد به فرزندآوری	عدم علاقه به فرزندآوری در نگاه و نگرش افراد به فرزندآوری یکی از عناصر اصلی است.
۷ اگر افرادی بچه‌دار نمی‌شوند، چگونه این نیاز را مرتفع می‌کنند	اگر این نیاز از سوی افعال یا موارد دیگر جبران شود، دیگر افراد نیازی به آوردن فرزند احساس نمی‌کنند. اگر این موارد یا گزینه‌های جایگزین قوی باشد، امکان اقدام به عمل اول بسیار پایین می‌آید. اینکه مورد جایگزین دقیقاً جای نیاز اصلی را بگیرد دیگر امکان اقدام اصلی وجود ندارد؛ به‌ویژه که در محاسبه گرفتن و دادن انرژی، میزان گرفتن انرژی بیشتر باشد.
۸ چگونه فرزندآوری می‌تواند خوب یا بد باشد؟	اگر افراد فرزندآوری را خوب بدانند و یا روش‌های خوب بودن آن یا خوب شدن آن را می‌دانند، نگرش آنها به فرزند و آوردن آن بیشتر می‌تواند تغییر کند و یا نگاه مثبتی به فرزندآوری داشته باشند.
۹ مزایا و معایب فرزندآوری	در برآورد سود و زیان مسئله اینکه در یک کار سود آن بیشتر است یا زیان آن، می‌تواند ما را در انتخاب یا عدم انتخاب آن یاری کند.
۱۰ در چگونگی و لزوم تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری	نوع نگاه افراد با مشوق‌ها تغییر می‌کند، البته این پرسش نوع نگاه افراد و اصلاً اینکه امکان دارد با تشویق فرزندآوری را ترغیب کرد، نشان می‌دهد.

کدهای باز و محوری

از مصاحبه‌های انجام‌شده از زنان متأهل تهران که در زیر موارد فراوانی از گفتار و جملات افراد آمده است، کدهای باز استخراج شد (اسامی افراد واقعی نیست). پس از مرحله کد باز و کدگذاری تک‌تک جملات متن، توسط یافتن پیوند میان کدگذاری‌های آزاد، کدگذاری‌های محوری استخراج می‌شود. تمام کدهای باز و محوری در جداول ۳ و ۴ و ۵ آمده است.

در بیان هدف زندگی، فهیمه ۲۳ ساله می‌گوید: «هدف من از زندگی و ازدواج این است که با همسر آینده‌ام به آرامش برسیم و عشق را در کنار هم تجربه کنیم». همچنین انسیه ۳۱ ساله می‌گوید: «هدف من از ازدواج و زندگی رسیدن به تعالی و رسیدن به خداوند است، تا بتوانم در کنار همسر و به کمک او رشد معنوی پیدا کنم و به او کمک کنم به رشد معنوی برسد».

رزا، خانم متأهل دارای تحصیلات ارشد، ۳۰ ساله در تعریف فرزند می‌گوید که ادامه زندگی خودم است ولی سرشار از نگرانی است. او در حالی این مطلب را بیان می‌کند که از نظر او فرزندآوری یک نیاز است، ولی چون خیلی اضطراب‌زا است در نتیجه من نمی‌توانم خودم را به دردمس بیندازم.

در پاسخ به اینکه آیا فرزندآوری یک نیاز است، یازده نفر به صورت قطعی، فرزندآوری را نیاز دانسته‌اند و به این پرسش به صراحت پاسخ داده‌اند و فقط دو نفر این مسئله را نیاز ندانسته‌اند، مثلاً فاطمه می‌گوید: «به نظر من فرزندآوری یک نیاز نیست، می‌توان به راحتی بدون فرزند زندگی کرد و مشکلی هم نداشت» و بقیه افراد نیز پاسخ دادند که آنها هم می‌دانند نیاز است ولی آن را انکار می‌کنند، الهام دانشجوی ۲۷ ساله می‌گوید: «وقتی که مشکلات فرهنگی و اقتصادی وجود دارد، در نتیجه فرزندآوری نیاز نیست». جالب این است که با اینکه فرزندآوری را یازده نفر نیاز می‌دانند که برای هر انسانی یک نیاز فطری به شمار می‌آید، ولی در مورد لزوم فرزندآوری، پاسخ هفت نفر بله بود، این افراد بدون هیچ کم‌وکاست گفتند که فرزندآوری برای یک زندگی لازم و ضروری است، دو نفر به طور مستقیم پاسخ نه داده‌اند و بقیه هم بسته به شرایط، آن را لازم دانسته‌اند؛ مثلاً زهرا دانشجوی ۲۸ ساله می‌گوید: «اگر تمام شرایط اقتصادی و فرهنگی مهیا باشد می‌توان به فرزندآوری فکر کرد، پس در غیر این صورت لزومی به فرزندآوری نیست».

شادی، خانمی ۲۴ ساله و بسیار علاقه‌مند به بچه‌دار شدن است، او علت علاقه خود را خانواده پدری و مادری می‌داند که بسیار به آوردن بچه علاقه دارند و به آن اهمیت می‌دهند و او از دوران خوب کودکی خود می‌گوید که از آن زمان خاطرات بسیار زیادی دارد.

نورا، خانمی ۳۰ ساله است که می‌گوید: «بچه‌دار شدن موجب می‌شود قیافه آدم کامل به هم می‌ریزد، درست شدن هیكل و برگشتن به وضعیت پیش تقریباً امکان ندارد؛ در نتیجه هیچ علاقه‌ای

به آوردن فرزند ندارم». او در پاسخ به اینکه پس چگونه نیاز به فرزندآوری را تأمین می‌کند، می‌گوید «می‌توانم با گذراندن اوقات خود با دوستان و گذراندن وقتم با تفریحات هم خوش باشم و هم کاری کنم که دیگر نیازی احساس نکنم».

فاطمه، خانم دارای تحصیلات لیسانس در اینکه آیا فرزندآوری می‌تواند خوب باشد، می‌گوید: «هرگاه وضعیت اقتصادی در کنترل باشد و شغل مناسبی وجود داشته باشد، فرزندآوری خوب است؛ ولی وقتی تنش‌های خانواده زیاد است، این اتفاق نمی‌افتد».

در چگونگی و لزوم تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری، حدود پنج نفر معتقد بودند که نیازی به تشویق در این کار نیست، زیرا هرگاه شرایط مناسب باشد، خودشان اقدام می‌کنند و اصرار در این کار خوب نیست. و عده‌ای هم گفتند می‌توان با روش‌های درست این کار را تقویت کرد؛ مثلاً زهرا ۳۵ ساله معتقد است که با روش‌های غیر مستقیم به بهترین روش می‌توان افراد را به آوردن فرزند تشویق کرد.

جدول ۳: کدگذاری باز و محوری در مفاهیم هدف ازدواج و تعریف فرزند

مفاهیم اولیه	کدهای باز	کدهای محوری
هدف از ازدواج	۱. ارضای نیازهای انسان	۱. ارضای نیاز
	۲. رشد شخصی در اخلاق؛ ۳. کامل شدن؛ ۴. مستقل شدن؛ ۵. موفقیت در زندگی؛ ۶. رسیدن به اهداف در مسیر زندگی؛ ۷. یادگیری و آموزش در مسیر زندگی؛ ۸. رسیدن به اهداف بلندمدت؛ ۹. رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت؛ ۱۰. رشد کردن؛ ۱۱. رسیدن به تعالی؛ ۱۲. پیشرفت؛ رشد اقتصادی؛ ۱۳. رفاه نسبی؛ ۱۴. زندگی مرفه؛ ۱۵. امنیت مالی؛ ۱۶. برای رسیدن به اهداف مالی؛ ۱۷. داشتن یک خانواده سالم؛ ۱۸. رسیدن به آرزوها	۲. رشد و تکامل
	۱۹. آرامش روحی؛ ۲۰. آرامش، شادی درونی؛ ۲۱. شادی در زندگی؛ ۲۲. در لحظه زندگی کردن؛ ۲۳. کسب حداکثر رضایت (بسته به هر منش)؛ ۲۴. دستیابی به اوج لذت و رضایت؛ ۲۵. رسیدن به شادی (دفع حداکثر غصه)	۳. رسیدن به آرامش
	۲۶. مفید بودن برای اجتماع؛ ۲۷. یاد دادن به دیگران؛ ۲۸. انتقال شادی و انرژی	۴. رشد اجتماعی
	۲۹. مهربانی کردن به دیگران؛ ۳۰. دادن انرژی مثبت به دیگران؛ ۳۱. عشق ورزیدن؛ ۳۲. عاشقانه زیستن	۵. رشد عاطفی
	۳۳. برای رسیدن به اهداف معنوی؛ ۳۴. کمال و رشد معنوی	۶. رشد معنوی
تعریف فرزند	۳۵. ادامه عشق و حیات؛ ۳۶. کسی به معنای ادامه تکامل من؛ ۳۷. ادامه بقای نسل؛ ۳۸. ادامه رشد و بلوغ من	۷. فرزند را موجودی جدا نمی‌داند و ادامه خود
	۳۹. کسی از جنس خودم؛ ۴۰. کسی پاک‌تر از خودم؛ ۴۱. کسی لطیف‌تر و زیباتر از خودم	۸. در مقایسه با خودش
	۴۲. یک لطف و محبت از سوی خدا؛ ۴۳. موهبتی از سوی خدا ولی با تصمیم دو والد	۹. از سوی خداست
	۴۴. فرصت بیشتر برای آزمایش‌های بزرگ‌تر؛ ۴۵. فرصت برای تجربه‌های قشنگ‌تر و جدیدتر؛ ۴۶. فرصتی برای دوباره کودک بودن	۱۰. یک فرصت جدید
	۴۷. لذت؛ ۴۸. امید؛ ۴۹. روح زندگی؛ ۵۰. امید به زندگی؛ ۵۱. امید و آرامش؛ ۵۲. زیبایی زندگی	۱۱. تأثیر احساسی فرزند در زندگی

۱۲. تأثیر کارکردی فرزند در زندگی	۵۳. سبب تحکیم خانواده؛ ۵۴. استحکام زندگی؛ ۵۵. هدف بزرگ‌تر داشتن؛ ۵۶. حاصل ازدواج؛ ۵۷. ثمره زندگی
۱۳. تأثیر اجتماعی فرزند در زندگی	۵۸. یقیناً فردی مفید برای خود و والدین و جامعه
۱۴. تأثیر فرزند بر شخصیت پدر و مادر	۵۹. دلیل تلاش برای زندگی؛ ۶۰. مسئولیت؛ ۶۱. مسئولیت خیلی بزرگ
۱۵. تأثیر کارکردی منفی فرزند	۶۲. درگیری؛ ۶۳. نگرانی؛ ۶۴. خداحافظی با آرامش
۱۶. ارضای نیاز والدین	۶۵. ارضای میل به خلق کردن و زایش انسان

جدول ۴: کدگذاری باز و محوری در مفاهیم علل علاقه‌مندی و عدم علاقه به داشتن فرزند و روش‌های جبران خلأ فرزندآوری

مفاهیم اولیه	کدهای باز	کدهای محوری
علل علاقه‌مندی به فرزندآوری	۱. به سبب دوران کودکی خوب؛ ۲. کم بودن تعداد در خانواده والدینی	۱. گذشته والدین
	۳. میل مشابه بودن با دیگران؛ ۴. رفتن راهی که اطرافیان طی می‌کنند؛ ۵. سن و سال برایشان مهم نیست	۲. تقلید
	۶. رشد عقلی و فکری؛ ۷. چون با هدف زندگی می‌کنند	۳. رشد شناختی والدین
	۸. احساس نیاز به داشتن فرزند؛ ۹. امر طبیعی؛ ۱۰. نیاز فطری؛ ۱۱. حس نیاز به مادر و پدر شدن	۴. نیاز فطری والد
	۱۲. انتقال دوستی و محبت به انسان‌های دیگر	۵. رشد عاطفی والد
	۱۳. احساس مسئولیت در قبال دیگران؛ ۱۴. به سبب مؤثر بودن برای جامعه	۶. رشد اجتماعی والد
	۱۵. شخصیت فردی زوجین؛ ۱۶. علاقه ذاتی؛ ۱۷. علاقه خاص به بچه	۷. علاقه فردی
	۱۸. به دلیل ایجاد تلاش بسیار در خانواده؛ ۱۹. ایجاد تغییر در زندگی؛ ۲۰. جلوگیری از تکراری شدن زندگی	۸. تأثیر کارکردی فرزند
	۲۱. این فکر که بچه زیادتر تربیت راحت‌تر؛ ۲۲. عدم تنهایی در آینده؛ ۲۳. به علت تسکین احساس خلأ و کمبود	۹. نیازهای ارضا نشده دیگر والد
	۲۴. نیروی کار برای خانواده؛ ۲۵. وضعیت مالی خوب	۱۰. شرایط اقتصادی خوب
	۲۶. روح تازه به زندگی؛ ۲۷. بالاتر رفتن روحیه افراد؛ ۲۸. به دلیل آوردن احساس امید؛ ۲۹. حس شادی در زمان بودن با بچه؛ ۳۰. نشاط می‌دهد؛ ۳۱. تجربه کردن در کنار بچه بودن	۱۱. تأثیر احساسی فرزند
	۳۲. فرزند به زندگی معنا می‌دهد؛ ۳۳. ثبات زندگی	۱۲. تأثیر کارکردی-شناختی فرزند
	۳۴. شرایط اجتماعی؛ ۳۵. در شرایط محیطی	۱۳. شرایط اجتماعی مناسب
۳۶. از افراد جامعه علاقه یا عدم علاقه را دریافت می‌کند (نگرش جامعه به فرزندآوری)، یاد گرفتن علاقه از منابع مختلف؛ علاقه اکتسابی؛ محیط خانواده و علاقه آنها به بچه؛ محیط دوستان و علاقه دوستان به فرزند؛ انتقال علاقه به بچه‌دار شدن از سوی مادر بزرگ و پدر بزرگ؛ بستگی به محیطی که والد در آن رشد می‌کند (مثلاً فرهنگ استان و یا شهر خاص)	۱۴. انتقال علاقه اجتماعی-فرهنگی	

مفاهیم اولیه	کدهای باز	کدهای محوری
علل عدم علاقه به فرزندآوری	۳۷. دوران کودکی بد؛ ۳۸. نوعی ترس در بچگی؛ ۳۹. مشکل در خانواده پیش از ازدواج؛ ۴۰. ترس به سبب تجربه تلخ از گذشته	۱۵. شرایط دوران کودکی
	۴۱. شرایط فعلی جامعه؛ ۴۲. مشکلات جامعه؛ ۴۳. عدم علاقه اجتماعی به بچه دار شدن؛ ۴۴. نداشتن شرایط اجتماعی	۱۶. شرایط بد اجتماعی
	۴۵. شرایط اقتصادی بد؛ ۴۶. بحران اقتصادی؛ ۴۷. وضعیت مالی پایین؛ ۴۸. نداشتن شرایط اقتصادی؛ ۴۹. ترس از فقر؛ ۵۰. ترس از دشواری‌های مالی موجود؛ ۵۱. نان‌آور بودن زن	۱۷. شرایط بد اقتصادی
	۵۲. کمبود اعتماد به نفس؛ ۵۳. حس مسئولیت‌پذیری پایین؛ ۵۴. ترس از پذیرش مسئولیت؛ هنوز نمی‌توانند مسئولیت فرد دیگری را بپذیرند	۱۸. عدم رشد شخصیت
	۵۵. نرسیدن به رشد عقلی و فکری؛ ۵۶. فکر می‌کنند زود است؛ ۵۷. هنوز به اهدافشان نرسیده‌اند؛ ۵۸. نرسیدن به اهداف با آمدن فرزند؛ ۵۹. رسیدن به اهداف سخت می‌شود؛ ۶۰. بی‌معنایی در وجود فرزند؛ ۶۱. بی‌معنایی در زندگی؛ ۶۲. ظلم به فرزند؛ ۶۳. از بین رفتن اوقات فراغت؛ از بین رفتن اوقات شخصی؛ ۶۴. از دست دادن نظم زندگی؛ ۶۵. از بین رفتن آزادی	۱۹. عدم رشد شناختی
	۶۶. راحتی خودشان؛ ۶۷. سختی بارداری؛ ۶۸. به هم ریختن اندام و قیافه؛ ۶۹. آشفتگی جسمی؛ ۷۰. آشفتگی جنسی؛ ۷۱. توانایی کم؛ ۷۲. تنبلی؛ ۷۳. بستن دست‌وپای فرد	۲۰. از دست دادن آزادی شخصی
	۷۴. مشغله زیاد؛ ۷۵. اختلاف سنی زیاد با بچه؛ ۷۶. روحیه پایین خانواده؛ ۷۷. احساس ناامیدی به آینده	۲۱. عدم تحمل شرایط جدید
	۷۸. شخصیت زوجین؛ ۷۹. افراد بدون امید؛ ۸۰. نداشتن شرایط روحی، ۸۱. غرور افراد؛ ۸۲. شاغل بودن زن	۲۲. عدم شرایط مناسب خانوادگی
	۸۳. دلسردی‌ها از سن به دلیل تأخیر؛ ۸۴. ترس از پذیرش مسئولیت؛ ۸۵. ترس از رویارویی با تجربه جدید	۲۳. وجود مشکلات شخصی
	۸۶. جبران خلاً به وسیله روش‌های دیگر و دلایل دیگر	۲۴. ارضای این نیاز به روش‌های دیگر
روش‌های جبران خلاً فرزند	۸۷. هیچ جایگزینی ندارد	۲۵. بدون جایگزین
	۸۸. سرگرمی با کارهای دیگر؛ ۸۹. مشغله‌های فراوان دیگر؛ ۹۰. به روش‌های مختلف؛ ۹۱. سرگرم پول جمع کردن	۲۶. سرگرمی با روش‌های مختلف
	۹۲. مسافرت زیاد رفتن؛ ۹۳. گذران وقت با فرزند دوستان؛ ۹۴. رفت‌وآمد با دوستان زیاد؛ ۹۵. مهمانی زیاد؛ ۹۶. غرق کار شدن؛ ۹۷. سرگرم خواهرزاده و برادرزاده‌ها؛ ۹۸. سرگرم گروه‌های همیاری شدن؛ ۹۹. شاغل شدن زن	۲۷. پرکردن وقت با روش‌های مختلف
	۱۰۰. رشد کردن در کارهای دیگر؛ ۱۰۱. پیشرفت درسی؛ ۱۰۲. پیشرفت کاری؛ ۱۰۳. پیشرفت مالی	۲۸. پیشرفت به روش‌های مختلف
	۱۰۴. عادت می‌شود؛ ۱۰۵. داشتن برنامه ثابت در زندگی؛ ۱۰۶. خو گرفتن با هر چیزی که با آنها همراهی کند	۲۹. عادت
	۱۰۷. نگهداری از حیوان خانگی؛ ۱۰۸. نگهداری فرزندخوانده؛ ۱۰۹. نگهداری کودکان بی‌سرپرست؛ ۱۱۰. کمک به کودکان بی‌سرپرست؛ ۱۱۱. سرپرستی کودکان بدسرپرست؛ ۱۱۲. جایگزین پیدا کردن به جای حالات مادرانه؛ ۱۱۳. محبت مادرانه به اطرافیان، مادر، پدر، خواهر و برادر؛ ۱۱۴. محبت به افراد دیگر جامعه	۳۰. حمایت و نگهداری از ...
	۱۱۵. به صورت شخصی علاقه‌ای به بچه ندارند	۳۱. بی‌ارتباط

جدول ۵: کدگذاری باز و محوری در مفاهیم چگونگی فرزندآوری خوب و بد و مزایا و معایب فرزندآوری و چگونگی تشویق به فرزندآوری

مفاهیم اولیه	کدهای باز	کدهای محوری
چگونگی فرزندآوری خوب	۱. وقتی بتوان وضعیت اقتصادی را کنترل کرد؛ ۲. شرایط اقتصادی مناسب؛ ۳. شرایط شغلی مناسب	۱. با مدیریت مالی
	۴. وقتی روابط بین پدر و مادر خوب و سالم است؛ ۵. نبود تزلزل در زندگی زناشویی؛ ۶. تفاهم زوجین؛ ۷. رفع تنش‌های بین پدر و مادر؛ ۸. احترام و محبت بین والدین؛ ۹. فضای اعتماد در خانواده	۲. روابط خوب والدین
	۱۰. ایجاد بهترین بستر رشد برای کودک؛ ۱۱. شرایط زندگی مناسب	۳. بسترسازی محیط خوب
	۱۲. شرایط خانوادگی مناسب؛ ۱۳. شرایط امنیتی مناسب	۴. شرایط اجتماعی مناسب
	۱۴. مشکلات کم روحی و روانی زوجین؛ ۱۵. داشتن روحیه آمادگی والدین برای هر مشکل؛ ۱۶. رسیدن زمان مناسب آن؛ ۱۷. زودتر بچه‌دار شدن؛ ۱۸. اراده و خواست قلبی برای آوردن فرزند (ناخواسته نباشد)؛ ۱۹. تصمیم مناسب؛ ۲۰. سلامت جسمی و روحی والدین؛ ۲۱. پذیرش مسئولیت؛ ۲۲. روحیه مسئولیت‌پذیری والدین؛ ۲۳. موفقیت پدر و مادر؛ ۲۴. خودباوری والدین	۵. تربیت خوب والدین
چگونگی فرزندآوری بد	۲۵. وقتی صرفاً به دلیل اجبار جامعه باشد؛ ۲۶. وقتی تنها طی کردن راهی باشد که باید رفت؛ ۲۷. تنها برای بقای نسل باشد	۶. اجباری بودن
	۲۸. بدون برنامه‌ریزی باشد؛ ۲۹. بدون فکر در مورد فراهم کردن شرایط آن؛ ۳۰. ناخواسته بودن بچه؛ ۳۱. وقتی امید واهی به درست شدن اوضاع باشد؛ ۳۲. وقتی امیدی به زندگی مشترک نیست	۷. بدون زمینه‌سازی
	۳۳. عدم تفاهم اولیه والدین؛ ۳۴. وقتی تنش در خانواده زیاد است	۸. مشکل روابط والدین
	۳۵. عدم سلامت جسمی و روحی والدین؛ ۳۶. سن بالا؛ ۳۷. وقتی تنها برای رفع احساس خلأ باشد؛ ۳۸. ایجاد تنوع؛ ۳۹. اعتیاد والدین	۹. مشکل فردی والدین
	۴۰. تربیت نادرست والدین	۱۰. کوتاهی در تربیت فرزند
چگونگی مفید بودن فرزند	۴۱. وقتی پدر و مادر با برنامه‌ریزی بچه‌دار شوند؛ ۴۲. سطح تحصیلات پدر و مادر؛ ۴۳. هدف درست داشته باشند؛ ۴۴. ایمان داشته باشند؛ ۴۵. اولویت پدر و مادر تربیت او باشد؛ ۴۶. داشتن اعتقاد درست؛ ۴۷. داشتن رفتار درست؛ ۴۸. امنیت روحی و روانی و فکری والدین	۱۱. آماده‌سازی پیشین
	۴۹. دغدغه‌ها و تنش‌های زندگی رفع شود؛ ۵۰. محیط تربیتی مناسب؛ ۵۱. پرورش در محیط امن و سالم؛ ۵۲. در بستر مناسب رشد یابد؛ ۵۳. حمایت والدین؛ ۵۴. داشتن چارچوب در خانواده؛ ۵۵. امن بودن محیط خانه برای فرزند	۱۲. ایجاد محیط مناسب
	۵۶. تربیت درست اخلاقی؛ ۵۷. والدین همسو در تربیت؛ ۵۸. آموزش و پرورش درست؛ ۵۹. به جای او تصمیم گرفته نشود؛ ۶۰. تشویق در کارهای خوب؛ ۶۱. راه و روش درست انتخاب را به او نشان دادن؛ ۶۲. نشان دادن مسیر درست به او	۱۳. تربیت درست
مزایای فرزندآوری	۶۳. باعث افزایش پشتکار؛ ۶۴. استحکام زندگی؛ ۶۵. ایجاد هدف در انسان؛ ۶۶. سبب تحکیم خانواده؛ ۶۷. ایجاد تلاش؛ ۶۸. ایجاد هدف مشترک در زوجین؛ ۶۹. عصای پیری	۱۴. آثار کارکردی در خانواده

مفاهیم اولیه	کدهای باز	کدهای محوری
	۷۰. ایجاد امید؛ ۷۱. ایجاد عشق؛ ۷۲. رشد محبت؛ ۷۳. رشد اعتماد؛ ۷۴. ایجادکننده شادی؛ ۷۵. ایجاد لذت بیشتر؛ ۷۶. ایجاد لطف و لطافت در زندگی؛ ۷۷. ایجاد آرامش و روح تازه به زندگی دادن؛ ۷۸. ایجاد زیبایی در زندگی؛ ۷۹. نزدیکی زوجین؛ ۸۰. جلوگیری از تنهایی؛ ۸۱. پر کردن خلأها	۱۵. آثار احساسی در خانواده
	۸۲. ایجاد معنویت در زندگی؛ ۸۳. شناخت بیشتر پدر و مادر از هم و برای خودشان؛ ۸۴. رشد اعتماد به نفس؛ ۸۵. رشد مسئولیت در فرد	۱۶. رشد شخصی والدین
	۸۶. سبب انگیزه پدر و مادر؛ ۸۷. ایجاد انگیزه برای ادامه زندگی	۱۷. آثار انگیزشی در خانواده
	۸۸. مفید بودن فرزند برای اجتماع و جامعه؛ ۸۹. مفید بودن برای پدر و مادر؛ افتخار پدر و مادر؛ ۹۰. افتخار جامعه؛ ۹۱. رشد فردی و اجتماعی در خانواده	۱۸. آثار اجتماعی
معایب فرزندآوری	۹۲. عقب افتادن برنامه‌های شخصی؛ ۹۳. عدم پیشرفت مادر؛ ۹۴. عدم رسیدن به اهداف مادر؛ ۹۵. نداشتن اوقات تنهایی؛ ۹۶. تأخیر در رسیدن به هدف والدین؛ ۹۷. پر شدن کامل وقت والدین	۱۹. عدم امکان پیشرفت فردی والدین
	۹۸. ایجاد سختی؛ ۹۹. از دست رفتن شغل مادر؛ ۱۰۰. بد هیكل شدن مادر؛ ۱۰۱. بد کارکردی جنسی مادر؛ ۱۰۲. مشغله زیاد؛ ۱۰۳. نداشتن اوقات فراغت؛ ۱۰۴. ایجاد خستگی؛ ۱۰۵. کم‌توان شدن مادر؛ ۱۰۶. بی‌خوابی والدین؛ ۱۰۷. کم شدن حوصله	۲۰. مشکلات فردی
	۱۰۸. مشکلات اقتصادی؛ ۱۰۹. احتمال فقر	۲۱. مشکلات مالی
	۱۱۰. کم شدن رفت‌وآمدها؛ ۱۱۱. کم شدن مهمانی‌ها	۲۲. مشکلات روابط اجتماعی
چگونگی تشویق به فرزندآوری	۱۱۲. نبود تشویق کلامی؛ ۱۱۳. نشان دادن نکات جالب و جذاب بچه	۲۳. عدم اجبار و لزوم به تشویق
	۱۱۴. بیان نکردن نکات منفی بچه‌داری در جمع دوستان؛ ۱۱۵. گفتگو مؤثر با همسالان؛ ۱۱۶. امید دادن به آینده؛ ۱۱۷. زیبایی‌های بچه را بگوییم	۲۴. تشویق غیرکلامی
	۱۱۸. ایجاد انگیزه درونی برای تصمیم‌گیری؛ ۱۱۹. تقویت رابطه پدر و مادر؛ ۱۲۰. تقویت ایمان پدر و مادر؛ ۱۲۱. تشویق خانواده‌هایی که مشکلات پیش‌یا‌افتاده و ناچیز دارند	۲۵. رشد فردی و روابط والدین
	۱۲۲. تعامل با انسان‌های رشدیافته و انتقال اندیشه‌های آنها؛ ۱۲۳. تشویق‌های اقتصادی و اجتماعی	۲۶. ایجاد علاقه از راه اجتماع
	۱۲۴. تشویق‌های اقتصادی با پاداش و جایزه	۲۷. تشویق‌های اقتصادی
	۱۲۵. نمایش‌های زیبا از لحظات جذاب فرزند؛ ۱۲۶. نمایش برنامه‌ها و مسابقات شاد با حضور والدین و فرزند؛ ۱۲۷. نشان دادن فواید حضور فرزند در خانواده	۲۸. ایجاد علاقه از راه رسانه

کدهای هسته‌ای و ارائه مدل نظری

پس از مرحله کدگذاری محوری، کد یا کدهایی را به‌عنوان کد هسته‌ای انتخاب می‌کنیم. در «هدف از ازدواج» ارضای نیاز، کد هسته‌ای بوده که نیازهای متفاوتی در آن مطرح شده است، نیاز به پیشرفت در کد محوری رشد و تکامل؛ نیاز عاطفی در کد محوری رسیدن به آرامش و رشد عاطفی؛ نیاز اجتماعی در کد محوری رشد اجتماعی؛ نیاز به پرستش در رشد معنوی نهفته

بود. در سؤالی که درباره نیاز بودن فرزندآوری مطرح گردید، فرزندآوری به‌عنوان یک نیاز بیان شد و همچنین لزوم فرزندآوری به حد اشباع در آمد؛ در نتیجه در بیان پاسخ اینکه افرادی که علاقه به فرزندآوری ندارند، این نیاز را چگونه مرتفع می‌کنند؛ پاسخ قاطع بعضی افراد این بود که امکان جایگزین وجود ندارد، ولی بعضی دیگر روش‌های جایگزینی مانند سازگاری‌های مختلف و حمایت و نگهداری از حیوانات و انسان‌های دیگر را انتخاب می‌کنند.

در مفهوم «معنای فرزند» ارضای نیاز والدین، کد هسته‌ای است و در معنای فرزند دو نگاه به دست آمد: خدامحور (از سوی خداست) و خودمحور (فرزند را موجودی جدا نمی‌داند و او را ادامه خود می‌داند؛ در مقایسه با خودش). در علت علاقه‌مندی به فرزندآوری، نیاز فطری به فرزندآوری کد هسته‌ای بوده است. با اینکه در مفهوم هدف ازدواج افراد فرزندآوری را به‌عنوان هدف ازدواج مطرح نکرده‌اند، ولی در مفهوم دیگر، نیاز به فرزندآوری تأیید می‌شود. تعدادی به اجباری نبودن فرزندآوری اعتقاد داشته، ولی عده زیادی به این باور بودند که با تشویق‌های کلامی و غیرکلامی مناسب و زمینه‌سازی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، از راه رسانه می‌توان افراد را به این امر تشویق کرد. تمامی کدهای هسته‌ای در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: کدهای هسته‌ای و مقولات استخراج‌شده از کدها

مقولات	کدهای هسته‌ای	کدهای محوری
کد هسته‌ای	ارضای انواع نیاز	نیاز به پیشرفت در رشد و تکامل؛ نیاز عاطفی در رسیدن به آرامش و رشد عاطفی؛ نیاز اجتماعی در رشد اجتماعی؛ نیاز به پرستش در رشد معنوی
کد هسته‌ای	ارضای نیاز با نگاه خدامحور ارضای نیاز با نگاه خودمحور	فرزند از سوی خداست فرزند موجودی جدا نمی‌داند و او را ادامه خود می‌داند؛ در مقایسه با خودش
مقولات زمینه‌ای	زمینه فردی پیشین والدین زمینه اجتماعی زمینه اقتصادی زمینه محیطی	گذشته والدین؛ نیازهای ارضا نشده دیگر والد شرایط اجتماعی و انتقال علاقه اجتماعی-فرهنگی به فرزندآوری
مقولات فرایندی	فرایند اجتماعی فرایند رشد فردی والدین	تقلید، تمایل به همسانی با گروه اجتماعی رشد شناختی والد؛ رشد عاطفی والد؛ رشد اجتماعی والد
مقولات پیامدی	پیامدهای عملکردی-احساسی، عملکردی-فردی-انگیزشی، عملکردی-شناختی عملکردی-اجتماعی	تأثیر احساسی فرزند در زندگی؛ یک فرصت جدید؛ تأثیر کارکردی فرزند در زندگی؛ تأثیر اجتماعی فرزند در زندگی؛ انتقال علاقه فرهنگی-اجتماعی

مقولات زمینه‌ای

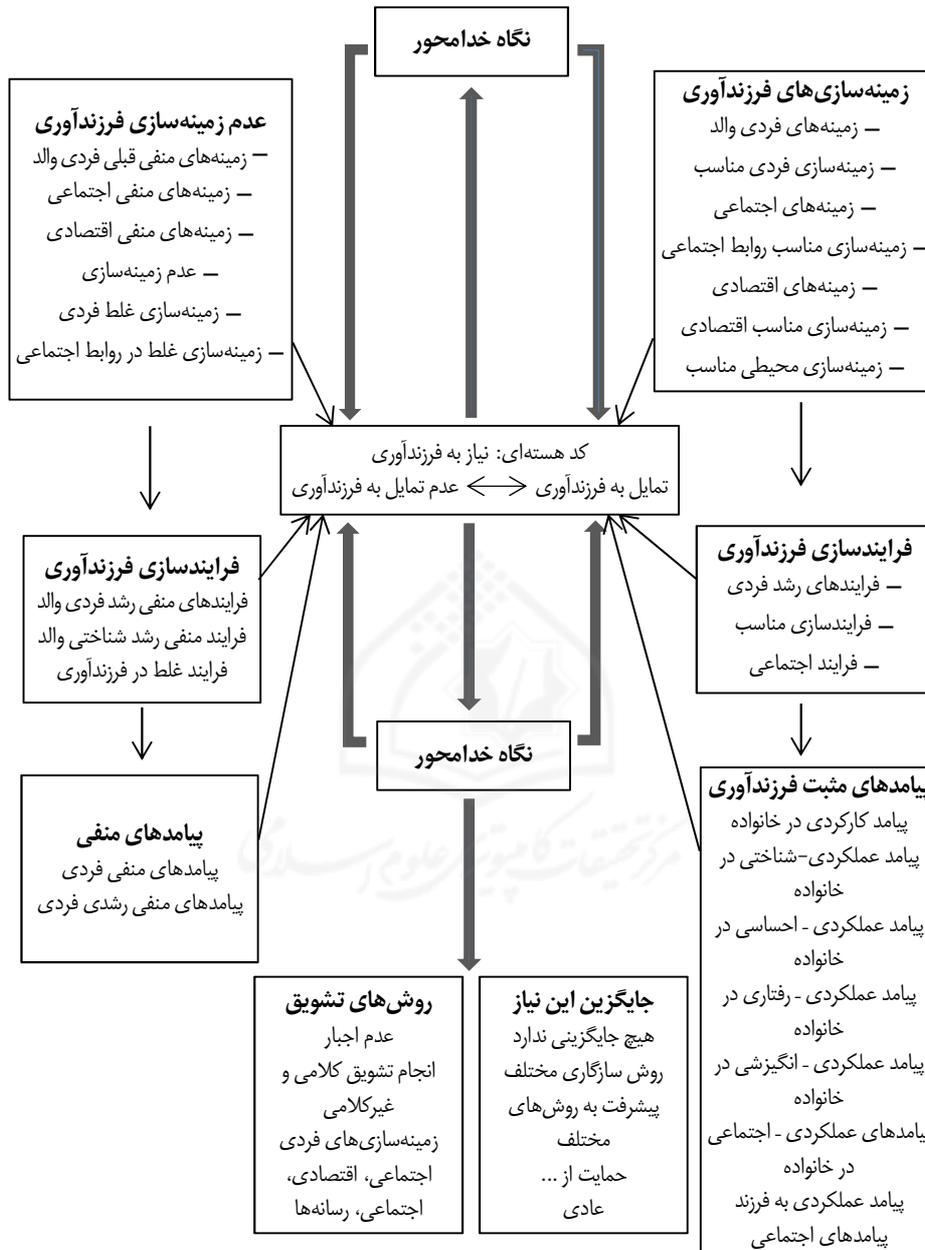
در علت علاقه‌مندی به فرزندآوری، زمینه فردی قبلی والدین (گذشته والدین؛ نیازهای ارضا نشده دیگر والد)؛ زمینه‌های اجتماعی (شرایط اجتماعی مناسب و انتقال علاقه اجتماعی-فرهنگی به فرزندآوری)؛ زمینه‌های اقتصادی (شرایط اقتصادی خوب) به‌عنوان مقولات زمینه‌ای بیان شد؛ همچنین در عدم علاقه زمینه‌های فردی قبلی منفی (شرایط دوران کودکی؛ نبود شرایط مناسب خانوادگی؛ وجود مشکلات شخصی)؛ زمینه‌های منفی اجتماعی (شرایط بد اجتماعی)، زمینه‌های منفی اقتصادی (شرایط بد اقتصادی) به‌عنوان مقولات زمینه‌ای بیان شد که با زمینه‌سازی‌های مختلف اقتصادی، فردی، محیطی و اجتماعی مناسب می‌توان به فرزندآوری خوب امید داشت.

مقولات فرایندی

در علت علاقه‌مندی به فرزندآوری، فرایندهای اجتماعی (تقلید، تمایل به همسانی با گروه اجتماعی)؛ فرایند رشد فردی والد (شناختی، عاطفی و اجتماعی) و در عدم علاقه به فرزندآوری فرایند منفی رشد فردی والد (عدم رشد شخصیت و شناختی) بیان شد؛ البته برای فرزندآوری خوب باید فرایندسازی مناسبی فراهم شود.

مقولات پیامدی

در مفهوم معنای فرزند، پیامدهای عملکردی-شناختی در خانواده (یک فرصت جدید)؛ پیامدهای عملکردی-احساسی در خانواده (تأثیر احساسی فرزند در زندگی)؛ پیامدهای عملکردی-رفتاری در خانواده (تأثیر کارکردی فرزند در زندگی)؛ پیامدهای اجتماعی (تأثیر اجتماعی فرزند در زندگی) به دست آمد؛ به این معنا که نوع نگاه بیشتر نگاه سود و زیانی است و پیامدها توجه شده است. در علت علاقه به فرزندآوری، پیامدهای بسیاری همچون پیامدهای عملکردی-شناختی (تأثیر کارکردی-شناختی فرزند)؛ پیامدهای عملکردی-احساسی به فرزند (تأثیر احساسی فرزند)؛ پیامدهای عملکردی (تأثیر کارکردی فرزند)؛ پیامدهای اجتماعی (انتقال علاقه فرهنگی-اجتماعی) و پیامدهای منفی فردی (از دست دادن آزادی شخصی، تحمل نکردن شرایط جدید) به‌عنوان پیامدهای علت عدم علاقه مطرح شد. انسان‌ها بیشتر مزایای فرزندآوری را در کارکردهای آن می‌بینند که شامل پیامدهای عملکردی در خانواده، پیامدهای عملکردی-احساسی، عملکردی-فردی، عملکردی-انگیزشی، عملکردی-شناختی و انگیزشی و عملکردی-اجتماعی در خانواده است و معایب آن را در پیامدهای منفی فردی برای والدین می‌دانند. با توجه به مقوله هسته‌ای، مقولات زمینه‌ای، فرایندی و پیامدی و نیز در نظر گرفتن تعاملات و روابط این مقولات، مدل نظری یا تئوریک نگاه به فرزندآوری در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: نمودار فرضیه‌سازی در مورد نگاه به فرزندآوری از دید زنان متأهل

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده در جوامع، از اهداف مهم ازدواج است که دین اسلام بر آن بسیار تأکید دارد. پیامبر ﷺ در تشویق افراد به ازدواج کردن، بر تولید نسل تأکید می‌کند و آن را موجب افتخار خود می‌داند (حر عاملی، ۱۳۹۹، ص ۳۳). در بعد فردی، بیشتر انسان‌ها علاقه دارند که نسل آنها استمرار یابد و فرزندان از خود داشته باشند. زنان در این بعد قوی‌تر هستند. دین اسلام به این نیاز روانی (فرزندخواهی) توجه دارد و در متون اسلامی، دعاهای بسیاری برای صاحب فرزند شدن آمده است (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۵۹)؛ همچنین در تحقیقات به ابعاد مختلفی از فرزندآوری اشاره شده است. رسولی (۱۳۸۲) در پژوهش خود دریافت که بیش از نیمی از افراد معتقد بودند که فرزند زیاد موجب استحکام خانواده نمی‌شود و کمتر از پنج‌جاه درصد می‌گویند که فرزندان زیاد حامیانی در پیری هستند و افزایش جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر به دلیل فقر اقتصادی است چون آنها گرایش دارند که با کثرت اولاد، برای پشتیبانی مالی در هنگام پیری اقدام کنند. منصوریان و خوشنویس (۱۳۸۵) دریافتند مادرانی که خواستار فرزندان پسر بیشتری بودند، گرایش بیشتری به فرزندآوری در آینده دارند، در حالی که شهبازی (۱۳۷۷) دریافت که متغیر نگرش ترجیح‌مند رابطه معناداری با رفتار باروری ندارند.

بین گرایش به فرزندآوری و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنادار مثبت یافت شد و بین گرایش به فرزندآوری و پذیرش اجتماعی رابطه خطی معناداری به دست نیامد. بنابر نتایج این تحقیق بین گرایش به فرزندآوری و گرایش دینی همبستگی معناداری مشاهده شد؛ یعنی افرادی که دارای گرایش دینی بالایی بودند، علاقه‌مندی بیشتری به فرزندآوری داشتند و با توجه به یافته‌ها بین گرایش به فرزندآوری و منافع اقتصادی رابطه معکوس وجود داشت و هرچقدر والدین بیشتر به دنبال منافع اقتصادی خود بودند، به همان اندازه از گرایش آنها به فرزندآوری کاسته می‌شد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹).

میرزایی و همکاران (۱۳۸۴) در مطالعه خود بر روی جمعی از خانواده‌های ایرانی دریافتند، تقاضا برای فرزندآوری، تابع و تعادل بین هزینه‌های فرزندآوری و تربیت فرزندان، امنیت، خطرات احتمالی، رضایت و منافع پیرامونی است. ماهیت فرهنگی و ابعاد آن و نظام ترجیحی، محدودیت‌های ناآگاهانه فرهنگی، روابط زناشویی درون خانواده، ارزش‌های جامعه، عقاید و باورهای هر نسل به‌عنوان جهاتی از الگوهای نهادی-واسطه‌ای بر رفتار باروری مؤثرند. حاجیان و همکاران (۱۳۸۷) مشاهده کردند که با افزایش سن مادر هنگام تولد کودک، سطح تحصیلات مادر، جنس پسر در فرزند قبلی، میانگین فاصله بین تولدها افزایش معنادار یافته است؛ همچنین

محل سکونت، سن ازدواج، شغل مادر با فاصله‌گذاری رابطه معناداری نداشت. در پژوهش‌های ربانی و دیگران (۱۳۸۶) و سلطانیان و دیگران (۱۳۸۶)، تحصیلات با تعداد فرزندان ارتباط معکوس داشت. کلاتری و ربانی (۱۳۸۵) دریافتند بین تعداد فرزند و سطح تحصیلات پاسخ‌گویان ارتباط معناداری وجود دارد؛ همچنین نوع اشتغال شوهران، نوع مسکن و درآمد با میزان باروری رابطه معناداری دارد. بحری و همکاران (۱۳۸۵) پس از بررسی تحلیل در میان زنان دریافتند بین نگرش زنان نسبت به لذت‌بخش بودن تعدد فرزند، شخصی بودن تعداد فرزندان، نقش حمایتی فرزندان زیاد در پیری والدین معنادار بوده است. ۱۳ درصد زنان معتقد بودند، فرزند زیاد حامی والدین در پیری است؛ ۱۱ درصد معتقد بودند که «فرزند زیاد لذت‌بخش است»؛ ۲۷ درصد، «تعداد فرزندان یک امر شخصی - خانوادگی است و به دیگران ارتباطی ندارد»؛ ۷۴ درصد اعتقاد داشتند که کنترل جمعیت بر رفاه و آسایش عمومی اثر دارد؛ همچنین ۷۳ درصد، والدین باید با هم درباره انتخاب تعداد فرزندان تصمیم‌گیری کنند.

در چند پژوهش کیفی همانند تحقیق عباسی شوازی و دیگران (۱۳۸۱)، زنان به ضرورت کیفیت (تربیت و تحصیل) اشاره داشتند و با وجود بهبود وضع اقتصادی خود، این بهبود و حتی سیاست‌های تشویقی را در افزایش فرزندانشان بی‌اثر می‌دانستند. انگاره‌های فرزند عصبی دست‌پیری و ترجیح جنسیتی کم‌رنگ شده و آگاهی از وسایل تنظیم خانواده افزایش یافته است؛ همچنین هم‌گرایی بین رفتارهای باروری بین زنان روستایی و شهری و تحصیل کرده و کم‌سواد ملاحظه شد. محمودیان و دیگران (۱۳۸۸) به روش کیفی (نظریه داده‌بنیاد) کم‌فرزندی را در میان زنان و مردان سقز بررسی کردند. کم‌فرزندی در شرایط فضای گفتمانی کم‌فرزندی و رفاه، خودحمایتی زنان، چالش‌های مدیریتی مدرن، توانمندسازی، میل به خودبازنمایی مثبت، تجربه بین نسلی رخ داده و به یک استراتژی بازاندیشانه انجامیده که پیامد آن کم‌فرزندی خواسته یا ناخواسته است.

با توجه به اینکه اسلام دین فطرت است، پس تمام نیازهایی که برای انسان در نظر گرفته شده، بر اساس فطرت وی تنظیم شده است؛ در نتیجه انسان سالم نیازهای فطری را در درون خود احساس کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، هدف از ازدواج ارضای نیاز است. ولی نیازهایی که این پژوهش به آن دست یافته است: نیاز به پیشرفت، نیاز عاطفی، نیاز اجتماعی، نیاز به پرستش است؛ و نیاز به فرزندآوری به عنوان اهداف ازدواج در این پژوهش مطرح نشده است، ولی وقتی در گزینه‌ای به صورت جداگانه، فرزندآوری به عنوان یک نیاز مطرح شد، با آن موافقت شد و همچنین فرزندآوری در خانواده به صورت یک کار لازم بیان شد. به علاوه روش جایگزینی

برای پاسخ به این نیاز گاهاً بیان نشد یعنی روشی برای جایگزینی در برآوردن نیاز به فرزندآوری مطرح نگردید. این مطلب بیان می‌کند که فرزندآوری اگرچه یک نیاز است، ولی به‌عنوان اهداف ازدواج مطرح نمی‌شود که به نظر یک خلأ اعتقادی است؛ همچنین شاید اهداف زندگی متفاوت شده است، ولی چون در سؤالات دیگر به‌عنوان یک مفهوم لازم در زندگی بیان می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که مورد غفلت واقع شده است.

اکنون که فرزندآوری یک نیاز است، با دو نگاه در معنای فرزند روبه‌رو هستیم: خدامحور و خودمحور. وقتی نگاه خدامحور است، افراد با رجوع به آیات و روایات و وظایف خود را انجام می‌دهند، و دیدگاه قرآن و روایات بر این است که بدون ترس از سختی معیشت و حرج آن و با توجه به اینکه خداوند روزی‌رسان است، باید نسل توحیدی را افزایش داد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم (نهج‌الفصاحه، کلمات قصار، ص ۳۹۱). اگر با نگاه خودمحور بررسی شود که بیشتر تمایلات شخصی مورد نظر بوده و نگاه خداسو کمتر مد نظر بوده است. در نگاه خداسو برآوردن نیازها در جهت رشد و کمال انسانی است، پس تمام نیازها در آن سو قرار می‌گیرد که موجب رشد و کمال است و هر تمایل و یا عدم تمایلی در جهت خدا و برای رسیدن به اوست. حتی تمایل به فرزندآوری با این نگاه به سویی می‌رود که سختی‌ها و ناملایمتی‌ها آزردهنده نیست.

در جهت برآوردن نیاز به فرزندآوری و با نگاه خداسو لازم است تا زمینه‌ها و مقدمات آن فراهم گردد و برای اینکه تمایل ادامه یابد، نیاز به فرایندسازی مناسب دارد تا بتوان به پیامدهای مثبتی دست یافت که این پیامدها خود موجب استمرار علاقه و تمایل به فرزندآوری است. همچنین لازم است تا موارد خلاف آن مثل عدم زمینه‌سازی‌ها یا زمینه‌سازی‌های نامناسب و فرایندهای نادرست و پیامدهای ناملایم برنامه‌ریزی شود. برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی و آموزش در سطح کلان و در رسانه‌ها با نگاه خداسو سبب می‌شود، تمایلات فرزندآوری تقویت گردد.

از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده از گروه در دسترسی از بانوان تهران بود که لازم است این نگاه در گروه مردان و در شهرهای دیگر ایران نیز بررسی شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی به روش‌های دیگری غیر از روش کیفی فرزندآوری هم پرداخته و روش‌های مختلف تغییر نگرش در فرزندآوری نیز بررسی شود.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت.
۲. ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۶)، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام (الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت)، تهران: مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری با همکاری پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۳. افشانی، سیدعلیرضا؛ عباس عسکری ندوشن، اکبر زارع شاه‌آبادی و سمیه فاضل نجف‌آبادی (۱۳۸۶)، «نقش مردان در تنظیم خانواده و کنترل باروری در شهر یزد»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۷، ص ۲۹-۵۱.
۴. اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۵. بحری، نرجس؛ نسرین بحری، براتعلی عرب‌نژاد و هما لطفی (۱۳۸۵)، «بررسی مقایسه‌ای نگرش و عملکرد زنان نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده در بارداری برنامه‌ریزی‌شده و ناخواسته»، فصلنامه پژوهشی دانشکده یزد، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۵۲-۶۱.
۶. بدار، لوک؛ ژوزه دزبیل و لوک لاماراش (۱۳۸۴)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
۷. بستان، حسین (۱۳۸۸)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. بستان، حسین (۱۳۹۰)، خانواده در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. برناردز، جان (۱۳۸۴)، درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مقدمه‌ای جامع از زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ترجمه فارسی، تهران: دنیای دانش.
۱۱. پیلتن، فخرالسادات و محمد رحمانیان (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۸، ش ۲، ص ۱۲۲-۱۳۶.
۱۲. حاجیان، کریماله؛ نسا اصنافی و فروغ علی‌اکبرنیا‌عمران (۱۳۸۷)، «بررسی فاصله‌گذاری بین تولدها و عوامل مرتبط با آن در مادران چندم‌زا مراجعه‌کننده به زایشگاه و مراکز بهداشتی درمانی شهر بابل»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، س ۱۸، ش ۶۶، ص ۶۳-۷۰.
۱۳. حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱)، «فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۵، ش ۵۸، ص ۵۸.

۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۹)، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۱۵. حقیقی مهر، ابراهیم (۱۳۸۴)، «نگاهی به تحول خانواده در ایران و جهان و عوامل مؤثر بر آن»، درج در سایت: www.irpds.com.
۱۶. ربانی، رسول؛ سیدعلیرضا افشانی و سمیه فاضل نجف‌آبادی (۱۳۸۶)، «بررسی تفاوت نقش مردان و زنان در تنظیم خانواده مطالعه موردی شهر نجف‌آباد»، فصلنامه مطالعات زنان، س ۵، ش ۴، ص ۵۹-۸۰.
۱۷. رسولی، رضا (۱۳۸۲)، «حاشیه‌نشینی تنظیم خانواده»، فصلنامه جمعیت، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۹۵-۱۰۸.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
۱۹. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، چ ۶، قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۲۰. سلطانیان، علیرضا؛ سقراط فقیه‌زاده، ابراهیم حاجی‌زاده، حمید چوبینه، فاطمه بحرینی، محمود محمودی فراهانی و حمیدرضا خلخالی (۱۳۸۶)، «بررسی نسبت افزایش فراوانی خانواده و برخی عوامل مرتبط با آن با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندگانه در بوشهر»، مجله پی‌اورد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، س ۱، ش ۲، ص ۳۷-۴۴.
۲۱. سگالین، مارتین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
۲۲. شهبازی، عباس (۱۳۷۷)، «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری شهر نهاوند»، فصلنامه جمعیت، س ۲۳، ش ۷۷، ص ۲۴-۵۸.
۲۳. صادقی، حناهدسادات و حسن سرایی (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، س ۷، ش ۲۷، ص ۲-۳۲.
۲۴. عباسی شوازی، محمدجلال؛ پیتر مکدونالد، میمنت حسینی چاوشی و زینت کاوه فیروز (۱۳۸۱)، «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، ش ۲۰، ص ۱۶۹-۲۰۳.
۲۵. عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسگری ندوشن (۱۳۸۴)، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ش ۲۵، ص ۳۵-۷۵.
۲۶. عباسی شوازی، محمدجلال و ملیحه علی مندگاری (۱۳۸۹)، «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، س ۸، ش ۱، ص ۳۱-۵۱.

۲۷. کلانتری، صمد و رسول ربانی (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر میزان باروری با تأکید بر نقش تنظیم خانواده»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، س ۱، ش ۱، ص ۱۰۷-۱۵۰.
۲۸. کلانتری، صمد؛ محمد عباس‌زاده، فاروق امین‌مظفری و ندا راکعی‌بناب (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز)»، جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، س ۲۱، ش ۱، ص ۸۳-۱۰۴.
۲۹. گرینشتین، تنودور (۱۳۸۹)، روش‌های خانواده‌پژوهی، مترجمان: مجتبی صدقاتی‌فرد و ماندانا روح‌الله‌زاده عبادی، تهران: نشر ارسباران.
۳۰. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش‌شناسی تحقیق کیفی ضد روش ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، چ ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۳۱. محمودی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «هشدار رئیس مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه: رشد جمعیت زیاد نشود، نسل منقرض می‌شود»، درج در سایت خبر آنلاین (۱۳۹۱/۰۴/۱۹).
۳۲. محمودیان، حسین؛ احمد محمدپور و مهدی رضایی (۱۳۸۸)، «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز»، فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۴، ش ۸، ص ۸۵-۱۲۲.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، تعلیم و تربیت از نظر اسلام، قم: نشر صدرا.
۳۴. منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس (۱۳۸۵)، «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، س ۲۴، ش ۲، ص ۱۲۹-۱۴۶.
۳۵. موسوی، سیده فاطمه و مهدیه‌سادات قافله‌باشی (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۳۴.
۳۶. میرزایی، محمد؛ منصور وثوقی و محسن ابراهیم‌پور (۱۳۸۴)، «تغییرات نظری و مفهومی در نظریات جمعیت‌شناسی و توسعه روستایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، س ۱۱، ش ۳، ص ۱-۳۴.
37. Howitt, Dennis. (2016), Introduction to Qualitative Research Methods in Psychology, Loughborough University; British Library.